



## آموزش قرآن در سیره ی رسول خدا (ص)

پدیدآورده (ها) : معارف، مجید

علوم تربیتی :: بصیرت و تربیت اسلامی :: تابستان 1385، سال سوم - شماره 6  
از 20 تا 38

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1042911>

دانلود شده توسط : کافی نت تخصصی نور

تاریخ دانلود : 20/05/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# آموزش قرآن در سیره رسول خدا(ص)

● دکتر مجید معارف\*

## چکیده:

آشنایی با کیفیت آموزش قرآن و مفاهیم در سیره پیامبر اکرم (ص) و تبیین دقیق مفاهیم «قرائت»، «اقرء» و «اسماع» و اشاره به تلاشهای بی نظیر و مشفقانه رسول خدا(ص) در جهت آموزش و تعلیم صحیح قرآن در راستای هدایت مسلمین به صراط مستقیم و دستیابی به اهداف عالی اسلام و سعادت و رستگاری در دو گیتی، از جمله مباحث مورد نظر در این مقاله است. در ادامه بحث به برخی از توصیه‌های گرانبهای آن حضرت در خصوص ترغیب مسلمانان به قرائت مداوم و پیوسته قرآن، تدبیر و فهم معانی آن، اثرپذیری و اثرگذاری قاری قرآن و نیز چگونگی ختم قرآن خواهیم پرداخت.

## واژگان کلیدی:

آموزش قرآن: (*the teaching of Quran*)، قرائت قرآن: (*the reading of Quran*)، قاری قرآن: (*the reader of Quran*)، مفاهیم قرآن: (*the meanings of Quran*)، اسماع: (*toin culcateahearing*)، نحوه آموزش: (*the way of teaching*)، سیره پیامبر: (*Biography of the Prophet*).

## مقدمه:

یکی از هدفهای نزول قرآن، هدایت و راهبری انسان است. رسول گرامی اسلامی(ص) در اجرای این هدف و به مصداق: «و اوحی الیّ هذا القرآن لاندركم به و من بلغ (انعام، ۱۹) قرآن را بر عامه مردم بویژه مؤمنان عرضه داشت. سیاست رسول خدا (ص) از طریق

\* استاد و معاون پژوهشی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

«إسماع» و «اقراء» قرآن دنبال گردید. در نتیجه دو دهه جهاد و تلاش آن حضرت، هزاران نفر با قرآن و مفاهیم آن آشنا شدند و صدها تن قاری و حافظ قرآن با بینش فقهی و تفسیری به ظهور رسیدند؛ در این جا گزارشی از کیفیت آموزش قرآن در سیره رسول خدا(ص) به نظر خواهد رسید.

### قرائت قرآن و موضوعیت آن:

قرآن به طوریکه از معنای لغوی آن نیز به دست می‌آید کتابی است خواندنی و قرائت آن موضوعیت ویژه ای دارد. اکثر دانشمندان علوم قرآنی، قرآن را مصدری می‌دانند مترادف با قرائت که البته در معنای اسم مفعول خود استعمال شده است؛ یعنی کتاب خواندنی. (تاریخ قرآن: ص ۱۶) چنان که این مطلب از آیات «انّ علینا جمعه و قرآنه فاذا قرأناه فاتبع قرآنه» (القیامه ۱۷ و ۱۸) یعنی: در حقیقت گردآوردن و خواندن آن بر عهده ماست، پس چون آن را برخواندیم (همانگونه) خواندن آن را دنبال کن، به دست می‌آید. کلمه قرائت طبق نقل راغب عبارت از ضمیمه سازی حروف و کلمات به یکدیگر است، آن هم ضمیمه سازی در حوزه ترتیل؛ چه به هر گونه ضمیمه سازی قرائت اطلاق نمی‌شود بلکه تنها به ضمیمه سازی حروف و کلمات به یکدیگر قرائت گویند. قرائت در باب افعال به معنای تعلیم قرائت است و از همین باب است سخن خداوند متعال که: «سنقرئک فلا تنسی». (اعلی، ۶) یعنی: به زودی آیات خود را (از طریق نزول) به تو می‌آموزیم به طوری که فراموش نکنی.

طبرسی در تفسیر این آیه نوشته است: «الاقراء اخذ القرائه علی القاری بالاستماع لتقویم الزلل و القاری التالی» (مجمع البیان: ج ۱، ص ۷۱۹) یعنی: اقراء به مفهوم تحویل قرائت قاری است با استماع قرائت وی تا خطاهای او اصلاح شود و قاری همان تلاوت کننده است. البته اقراء در آیه «سنقرئک...» که فاعل آن خداوند است ضرورتاً به معنای متداول در بین بشر نیست، به این صورت که رسول خدا قرآن را بخواند و خداوند غلطهای او را تصحیح کند، بلکه مفهوم آیه این است که آیه را به این صورت که نازل شده - بدون کم و کاست و غلط و تحریف - قرائت کنی. (المیزان: ج ۲۰، ص ۶۲۷). نکته دیگر در پی بردن به واقعیت «اقراء» آن که، همواره در کنار نزول عبارات قرآن حقایقی از مفاهیم قرآن نیز بر رسول خدا(ص) نازل می‌گشت و این موضوع از آیه: «ثم انّ علینا

بیانۀ» (قیامت، ۱۹) به دست می‌آید. به همین سبب رسول خدا(ص) فرمود: «الا ائی اوتیت القرآن و مثله معه» (نقل از قواعد التحذیر: ص ۵۰) یعنی: آگاه باشید که به من، قرآن و حقایقی به مثل آن داده شد، مستفاد است و شواهد روایی - که خواهد آمد - نشان می‌دهد که «اقرء» در عصر رسول خدا (ص) به معنای تعلیم لفظ و معنای قرآن به صورت توأمان بود؛ هر چند که پس از رسول خدا(ص) این اصطلاح بیشتر در معنای آموزش الفاظ و عبارات قرآن و تحویل قرائت قاری به منظور اصلاح قرائت وی، محدود گردید. پس از نزول قرآن - که به تدریج صورت می‌گرفت - قرائت قرآن از دو جهت در دستور کار رسول خدا(ص) قرار گرفت: نخست آن که حضرت، قرآن را در نمازهای خود بویژه عبادات شبانه قرائت می‌کرد(مزمّل، ۲-۴) و این کار تأثیر زیادی در تقویت روحی پیامبر(ص) و آماده سازی وی جهت مواجهه با مشکلات تبلیغ رسالت داشت، چنان که عده ای از مؤمنان نیز در همین دوره به آن حضرت تأسی می‌کردند(مزمّل، ۲۰): و دیگر آنکه همزمان با علنی شدن بعثت و به مصداق: «و اوحی الیّ هذا القرآن لاندركم به و من بلغ» (انعام، ۱۹) یعنی: «و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را (که این پیام به او) برسد، هشدار دهم؛ رسول خدا (ص) مأمور شد تا قرآن را بر مردم تلاوت کند و از این طریق آنان را در جریان رسالت خود قرار دهد. از قرائن تاریخی به دست می‌آید که پیامبر اسلام(ص) در اجرای این وظیفه خود و به تناسب مخاطبان قرآن از دو طریق به شرح زیر استفاده کرده است:

### الف - اِسماع قرآن

اِسماع در لغت به معنای شنواندن است و این کلمه به همین معنا در قرآن به کار رفته است (روم، ۵۲). مراد از اِسماع قرآن، شنواندن آن به گوش مردم است که معمولاً در مکه و نسبت به مشرکان قریش، حاجیان و رهگذران صورت می‌پذیرفت. طبق شواهد تاریخی، در سالهای ابتدای رسالت، رسول خدا(ص) در مسجد الحرام می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت و یا به نماز ایستاده و سوره‌هایی را قرائت می‌کرد و به این ترتیب آیات قرآن را به گوش رهگذران می‌رساند. به عبارت دیگر رسول خدا(ص) در قالب عبادات روزانه خود، رسالت تبلیغی خویش را نیز دنبال می‌نمود. واضح است که در این موارد آیات قرآن بدون هیچ توضیحی به گوش مردم می‌رسید و اشکالی هم در

کار رسول خدا(ص) - که ابلاغ کلام وحی بود - به وجود نمی‌آورد. زیرا آیات و سوره‌های مکی بر محور عقاید - از جمله مبدأ و معاد - دور می‌زد و به دلیل تکرار مضامین آن در سوره‌ها، درک آنها آسان بود، علاوه بر آن، مخاطبان این آیات قوم عرب و آشنا به زبان قرآن بودند و برای فهم آن آیات و بویژه اخطار و اندازهای قرآن مشکلی احساس نمی‌کردند، چنان که عتبه بن ربیععه (السیره النبویه: ج ۱، ص ۳۱۳)، و ولید بن مغیره، به همین صورت در جریان اندازهای قرآن قرار گرفته و تحت تأثیر واقع شدند. از آنجا که اسماع قرآن به تدریج موجب جذب مردم به قرآن می‌گشت مشرکان تصمیم گرفتند علاوه بر خودداری از استماع قرآن (لقمان، ۳)، مانع نمازخوانی یا تلاوت قرآن رسول خدا(ص) شوند. مفسران در ذیل: «أرایت الذی ینهی عبداً اذا صلی» (علق، ۹-۱۰) آورده‌اند که: ابوجهل در نوبتی رسول خدا(ص) را تهدید کرد که اگر او به نماز خواندن خود نزد کعبه و مقام ابراهیم ادامه دهد، گردن پیامبر (ص) را خرد کند (تفسیرالقرآن العظیم: ج ۴، ص ۵۶۵)؛ که البته موفق به این کار نشد. مشرکان هم چنین به مردم توصیه می‌کردند که به تلاوت قرآن گوش فرا ندهند یا به هنگام شنیدن قرآن مهمه به پا کنند (فصلت، ۲۶). اما خداوند ضمن پشتیبانی از رسول خدا به او فرمان داد تا هم چنان به نماز خوانی با تلاوت قرآن خود ادامه دهد. آیه ۱۹ علق و نیز آیه: «و لا تمنن تستکثر» (مدثر، ۶؛ معانی القرآن، ص ۵۸۳) در همین ارتباط نازل شده‌است. روشن است که اسماع قرآن کاری مؤثر به شمار می‌رفت. خاصه که نخست سوره‌های نازله از جهت نظم و آهنگ و ایجاز و بلاغت بسیار پر جاذبه بود، لذا استماع قرآن برای مردم مکه امری لذت‌بخش بود و موجب تمایل تدریجی آنان به اسلام گشت. از جمله کسانی که پس از استماع آیاتی از قرآن به اسلام گرویدند می‌توان از عثمان بن مظعون، عمر بن خطاب، ضماد بن ثعلبه، جبیر بن مطعم، طفیل بن عمرو دوسی و عدّاس غلام عتبه (تاریخ قرآن: صص ۲۱۴-۲۱۹) نام برد. عده دیگری هم بودند که گرچه با استماع قرآن مسلمان نشدند اما زبان به ستایش قرآن گشودند و آن را کلامی مافوق هر کلام دیگر توصیف کردند که از جمله می‌توان به اعترافات ولید بن مغیره و عتبه بن ربیععه (السیره النبویه: ج ۱، صص ۲۸۳ و ۳۱۳) اشاره کرد. ابن هشام در یک گزارش تاریخی آورده است که شبی ابوسفیان و ابوجهل و اخنس بن شریق بدون اطلاع از وجود یکدیگر به کنار خانه رسول خدا(ص) آمده و به استماع تلاوت آن حضرت مشغول شدند. آنان به هنگام مراجعت به یکدیگر

برخورد کردند و پس از ملامت خود، عهد کردند که دیگر جهت استماع قرآن به گرد خانه پیامبر (ص) نزدیک نشوند. اما شب بعد نیز هر کدام جدا از دیگری به کنار خانه پیامبر (ص) رفته و استماع قرآن پرداختند، در پایان شب و به هنگام بازگشت مجدداً با یکدیگر برخورد کرده و زبان به ملایمت خود گشودند و مجدداً عهد شب قبل را تجدید کردند. لکن در شب بعد نیز هر کدام جدا از دیگری خود را به منزل رسول خدا (ص) رسانده به استماع قرآن آن حضرت روی آورده، به هنگام صبحگاهان چون باز با یکدیگر روبرو شدند، ضمن ملامت یکدیگر، پیمان شدیدی بین خود منعقد کردند که دیگر برای استماع قرآن نزدیک پیامبر (ص) نشوند (همان، ص ۳۳۷). تنها بت پرستان نبودند که چنین تحت تأثیر قرار می‌گرفتند، اهل کتاب نیز در اقبال و روی آوردن به قرآن شرکت داشته‌اند. بودند کسانی که با شنیدن آیات قرآنی اشک از چشمانشان سرازیر می‌شد. (تاریخ قرآن: ص ۲۳۰). در این میان تنها کسانی که تیرگی و قساوت بر دل‌هایشان چیره شده بود از آیات قرآن روی گردان بودند. آیات زیر و امثال آن، ترجمان حال معاندان غافل و مبین تأثیر قرآن بر افراد سلیم النفس است: «فَأَنك لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الضَّمَّ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ... ان تسمع الآ من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون» (روم، ۵۲، ۵۳) یعنی: و تو مردگان را نمی‌شنوای و (نیز) این (پیام) را به کران - آنگاه که پشت می‌گردانند - نمی‌توانی بشنوای... تو تنها کسانی را می‌شنوای که به آیات ما ایمان می‌آورند و خود تسلیم‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## ب - اقرار قرآن

رسول خدا (ص) در مقابل مؤمنان، سیاست اقرار قرآن در پیش گرفت که به معنای تعلیم همه جانبه قرآن است. ضرورت این کار از آنجا بود که مؤمنان پس از وارد شدن به دایره مسلمانی، نیازمند آموزش احکام دینی بودند. اما آیات قرآن غالباً فاقد جزئیات احکام و مقررات دینی بود، لذا رسول خدا (ص) در کنار تعلیم قرآن گاه با توضیحات شفاهی، و گاه به شکل عملی مؤمنان را در جریان جزئیات احکام و شرایع قرار می‌داد و به تدریج با تفسیر بسیاری از آیات قرآن آشنا می‌فرمود. در سالهای ابتدای بعثت، رسول خدا (ص) در خانه ارقم بن ابی ارقم - واقع در کوه صفا - سکنی گزید. حضرت در همین مکان نو مسلمانیان را به حضور می‌طلبید و به آنان قرآن و مسائل دینی را



آموزش می‌داد. (القرآن کریم و روایات المدرستین: ج ۱، ص ۱۲۳). علاوه بر این مرکز، مراکز دیگری نیز وجود داشت که در آن مؤمنان به دور از چشم مشرکان به تعلیم و تعلم قرآن پرداخته و در واقع مطالبی را که از رسول خدا(ص) فرا می‌گرفتند به یکدیگر آموزش می‌دادند. عمر بن خطاب که خود در یکی از این مراکز حضور به هم رسانده گوید: «رسول خدا(ص) گاه یک یا دو نفر از مسلمانان را به شخصی از اصحاب خود - که در فهم دین قوت و بصیرت داشتند - می‌سپرد. این عده با او زندگی کرده و حتی در طعام و غذا با وی شریک می‌شدند. پیامبر (ص) به همین ترتیب دو نفر را به همسر خواهر من ملحق ساخت. در یکی از روزها به منزل خواهر خود رفتم، صدایی از پشت در شنیده شد که تو کیستی؟ گفتم: پسر خطابم. در این موقع عده‌ای نشسته و در حال قرائت قرآن بودند. چون صدای مرا شنیدند به خود آمده و مخفی شدند اما فراموش کردند که نسخه قرآنی خود را مخفی کنند و...» (همان: صص ۱۲۳ و ۱۴۷).

اما از معلمان اولیه قرآن می‌توان از جعفر بن ابی طالب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن امّ مکتوم، مصعب بن عمیر، خباب بن ارت و سالم موالی ابی حذیفه یاد کرد. جعفر بن ابی طالب در سفر به حبشه قرآن را در حضور نجاشی قرائت کرد و با این کار جواز حضور و اقامت مسلمانان در این کشور را به دست آورد. (السیرة النبویه: ج ۱، صص ۳۶۱-۳۶۲). عبدالله بن مسعود نخستین کسی است که در مکه قرآن را به شکل علنی به گوش مشرکان رساند و به همین دلیل مورد تعرض آنان قرار گرفت. (اسدالغابة فی معرفة الصحابة: ج ۳، ص ۲۵۶). عبدالله بن امّ مکتوم و مصعب بن عمیر به عنوان طلایه داران هجرت مسلمان به مدینه، به این شهر وارد شدند و به کار تعلیم قرآن و آموزش احکام به مردم مدینه پرداختند (السیرة النبویه ج ۲، ص ۷۶). و طبق روایتی، چون اوس و خزرج نتوانستند درباره تعیین امام جماعت به توافق رسند مصعب امامت آنان را نیز برعهده گرفت (تاریخ قرآن: ص ۲۲۸). و این موضوع، اولویت معلمان قرآن را نسبت به دیگران در احراز مقام امامت نماز، نشان می‌دهد؛ مصعب در مدینه به مقری شهرت یافت (السیرة النبویه: ج ۲، ص ۷۶).

## هجرت به مدینه و آموزش قرآن

پس از آن که رسول خدا(ص) به مدینه هجرت نمود با توجه به از بین رفتن محدودیت‌هایی

که در مکه بود، تعلیم و تعلم قرآن گسترش یافت. مسجد رسول خدا(ص) مرکز آموزش قرآن قرار گرفت. در این مکان مسلمانان حاضر شده و تحت نظر پیامبر گرامی(ص) به فراگیری قرآن مشغول شدند. با گفته یکی از محققان معاصر وقتی رسول خدا(ص) در مسجد می‌نشست اصحاب گرد او حلقه می‌زدند تا کسی پشت سر او قرار نگیرد و همه در یک ردیف باشند و هر که می‌رسید هر جا که می‌یافت در حلقه می‌نشست. گاه تعدادشان به شصت نفر در هر حلقه می‌رسید. اصحاب نیز خود در مسجد حلقه حلقه می‌نشستند و قرائت قرآن می‌کردند هر چند بعضی هم پشت به قبله قرار گیرند. از اینجا بود که بعضی از محدثین مثل بخاری، بابی را در کتاب خود به جلسه‌های مساجد و این حلقه‌ها برای تعلیم قرآن اختصاص دادند. ابوسعید خدری (م ۷۳) می‌گوید: وقتی اصحاب رسول خدا گرد هم می‌نشستند با هم حدیث می‌کردند، حدیثشان فقه بود و یا قرائت قرآن می‌کردند (تاریخ قرآن: ص ۲۲۸). از این روایات استفاده می‌شود که در مدینه نیز رسول خدا(ص) از وجود برخی از صحابه به عنوان معلم قرآن استفاده می‌فرمود. عبادة بن صامت گوید: هرگاه یکی از مهاجران به مدینه وارد می‌شد، پیامبر(ص) او را به یکی از ما می‌سپرد تا قرآن را به او بیاموزد. از این رو همواره بانگ مسلمانان به تلاوت قرآن برپا بود تا آن که رسول خدا(ص) سفارش کرد که صدای خود را پایین بیاورند تا اصوات قرآنی در یکدیگر تداخل نکند (نقل از مناهل العرفان: ج ۱، ص ۴۳۲). و در حدیث دیگر گوید: «وقتی نو مسلمانی به مدینه هجرت می‌کرد پیامبر(ص) او را به یکی از حفاظ می‌سپرد تا قرآن را به او بیاموزد.» (حقایق هامه حول القرآن الکریم: ص ۶۶).

روایاتی چون: «خذوا القرآن من اربعة: ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، سالم و معاذ (الاتقان: ج ۱، ص ۲۴۴). یعنی: قرآن را از چهار تن فرا بگیرید: ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، سالم (مولى ابی حذیفه) و معاذ (بن جبل)، نمونه‌ای از روایات رسول خدا(ص) در معرفی معلمان قرآن در آن عصر است. از روایات دیگر به دست می‌آید که رسول خدا(ص) نسبت به کار معلمان قرآن نظارت داشت. به این صورت که حضرت با سرزدن به حلقه‌های آموزشی قرآن گاه میزان حفظ نوآموزان و اسلوب قرائتشان را بررسی می‌کرد و آنها را اصلاح می‌نمود و هرگاه آنان را سرگرم قرائت قرآن و آموزش فقه می‌دید، مورد دعا قرار می‌داد. (تاریخ قرآن: ص ۲۲۷). به طوری که رسول خدا(ص) از



وجود آنان جهت آموزش مسلمانان نواحی دیگر استفاده نمود و این گوشه‌ای از تلاش‌های پیامبر(ص) در بسط آموزش قرآن بود. گفته شد که قبل از هجرت نیز آن حضرت ابو عبیده جراح را برای تعلیم قرآن به یمن فرستاد (همان: ص ۲۲۷). عمرو بن حزم انصاری در سال دهم هجرت به نجران اعزام گشت (همان: ص ۲۲۹). عثمان بن ابی‌العاص به طائف و معاذ بن جبل به یمن فرستاده شد. پس از فتح مکه نیز رسول خدا(ص) معاذ بن جبل را به همراه عتاب بن اسید در مکه نگه داشت تا به مردم مکه قرآن بیاموزد (القرآن الکریم و روایات المدرستین: ج ۱، ص ۱۶۳). برخی از این مأموریتها به درخواست رؤسای قبایل - که قبیله آنها به اسلام متمایل بودند - صورت می‌پذیرفت. در یک نوبت پیامبر(ص) به اعزام هفتاد نفر از قاریان مبادرت ورزید. (طبقات الکبری: ص ۵۱). گاه در جریان این سفرها قاریان مورد سوء قصد قرار گرفته و به شهادت می‌رسیدند. مثلاً در نیمه ماه صفر سال چهارم ده تن از اصحاب پیامبر(ص) در رجب در نزدیکی مکه به دست کفار افتادند و به شهادت رسیدند و این عده برای تعلیم قرآن به اعراب عضل و قاره فرستاده شده بودند (تاریخ قرآن: ص ۲۲۹). در جریان اعزام چهل یا هفتاد تن از قاریان به سرپرستی منذر بن عمرو ساعدی به منطقه نجد - که پیامبر(ص) آنان را به درخواست رئیس قبیله بنی عامر برای آموزش فرستاده بود - آنان در منطقه‌ای به نام «بئر معونه» فرود آمدند. اما در این مکان مورد تهاجم قبایلی از مشرکان قرار گرفته و جملگی به شهادت رسیدند (التاج الجامع للاصول: ج ۴، ص ۴۳۹). این حادثه نیز در سال چهارم هجری اتفاق افتاد و برای پیامبر(ص) و مسلمانان بسیار گران تمام شد.

### دانش قرآنی اساس تفاضل و برتری:

قرآن کریم به مصداق: «هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون» (زمر، ۹) یکی از ملاکهای برتری افراد بر یکدیگر را علم دانسته است. به همین ترتیب رسول گرامی اسلام (ص) دانش قرآنی را معیاری جهت سنجش مؤمنان در مقابل یکدیگر قرار داد. حضرت به عنوان یک قاعده کلی فرمود: «خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه» (صحیح بخاری: ج ۶، ص ۵۹۴) یا: «ان افضلکم من تعلّم القرآن و علّمه» (سنن ابی داود: ج ۲، ص ۷۰۲). یعنی برترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران یاد دهد؛ و نیز در

مورد مقام حاملان قرآن تأکید نمود که: «انّ اهل القرآن هم اهل الله و خاصّته» (سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۷۸). این گونه تغییرها که در تشویق مؤمنان به فراگیری قرآن و کوشش در ترویج و آموزش آن به دیگران بسیار مؤثر بود، موجب گردید که قاریان قرآن در عصر رسول خدا(ص) موقعیت ممتازی پیدا کنند و در احراز بسیاری از مناصب معنوی یا اجتماعی نسبت به دیگران پیشقدم گردند و بارزترین مناصبی که در آن دوره مورد توجه و تذکر بود به شرح زیر است:

#### الف: احراز امامت جماعت:

رسول خدا(ص) با گفتن: «یؤمّمکم اقرنکم» (سنن ابی داود: ج ۱، صص ۱۵۹ - ۱۶۰). به مؤمنان توصیه فرمود که در نماز جماعت، شخص اقرء و اَحْفَظْ را بر دیگران مقدّم دارند و این توصیه در بین مؤمنان جاری و مورد عمل بود. به همین سبب آنگاه که جمعی از مسلمانان - قبل از هجرت پیامبر(ص) به مدینه - از مکه راهی مدینه شدند، در طول سفر، امامت جماعت را به سالم مولی ابی حذیفه سپردند، با آنکه در بین آنان اصحابی چون عمر بن خطاب، ابوسلمه و عیاش بن ابی ربیع قرار داشت (تاریخ قرآن: ص ۲۳۲). نمونه دیگر تصدی امامت عمرو بن سلمة بن قیس جرمی است که در سن ۷ یا ۸ سالگی در قبیله خود متصدی امامت گردید. زیرا در آن زمان که قوم او به اسلام گرویدند در بین افراد قبیله کسی از نظر میزان حفظ قرآن به پای او نمی‌رسید، لذا قبیله او با برداشتی که از حدیث «یؤمّمکم اقرنکم» پیدا کرده بودند، ابتدا به او نماز را آموزش دادند و سپس از او درخواست کردند که به عنوان امام جماعت، مقدم بر دیگران قرار گیرد (سنن ابی داود: ج ۱، صص ۱۵۶ و ۱۶۰).

#### ب: تصدی مناصب اجتماعی یا امارت:

طبق روایات تاریخی، در تصدی مناصب اجتماعی یا امارت و فرماندهی، دانش قرآنی ضابطه‌ای قطعی به شمار می‌رفت. و از این جهت گاه جوانان در احراز این مناصب بر پیروان قوم تقدّم پیدا می‌کردند. در این زمینه شواهد فراوانی بر جای مانده است از جمله آنکه: رسول خدا(ص) عثمان بن ابی العاص را در جمع شش نفر از اعضای نمایندگان قبیله ثقیفه به عنوان مسئول برگزید و امارت طائف را به وی محول ساخت. عثمان در آن

جمع از نظر سنی از دیگر اعضاء کوچکتر بود اما سوره بقره را آموخته بود و به همین سبب بر دیگران ارجحیت یافت (القرآن الکریم و روایات المدرستین: ج ۱، ص ۱۶۷).

نمونه دیگر، اعطای فرماندهی در جنگ موته به اسامه بن زید است؛ که چون عده ای به این کار رسول خدا(ص) اعتراض کردند، حضرت، دانش قرآنی اسامه را دلیل تصدی این امارت اعلام فرمود. (تاریخ قرآن: ص ۲۳۲). از روایات دیگر استفاده می‌گردد گاهی رسول خدا(ص) در انتخاب امیر و فرمانده برای یک گروه در بین آنان به «استقراء» می‌پرداخت یعنی از میزان حفظ و تسلط آنان نسبت به قرآن جويا می‌گشت و چون به شخص احفظ و اقراء در بین آنان جمع می‌رسید، با گفتن «فانذهب فانت امیرهم» امارت و مسئولیت آن گروه را به او تفویض می‌نمود.\*

### ج: کسب درجات معنوی در آخرت:

رسول خدا(ص) دانش قرآنی را ملاک تفاضل درجات مؤمنان در بهشت اعلام فرمود. این سخن پیامبر(ص) سخن معروفی است که «يقال لصاحب القرآن: اقرأ وارتق ورتل كما كنت ترتل في الدنيا فان منزلتك عند آخر آية» (مجمع البیان: ج ۱، ص ۸۵). یعنی: در بهشت به قاری قرآن گفته می‌شود که بخوان و بالا برو و آن طور که در قرآن به قرائت نیکو می‌پرداختی، قرآن بخوان زیرا درجه تو به اندازه آخرین آیه ای است که بتوانی بخوانی. رسول خدا(ص) به همین ترتیب قاریان را از جمله شافعان در عالم قیامت معرفی نمود. (صحیح مسلم: ج ۱، ص ۵۵۳) و در تکریم مقام شهدای قاری دستور داد که در جنگ احد - آنگاه که در هر قطعه‌ای چند نفر را با هم به خاک می‌سپردند - حافظان قرآن را نسبت به سایرین کمی بالاتر قرار داده و به خاک سپارند. (القرآن الکریم و روایات المدرستین: ج ۱، ص ۱۶۷). لازم به ذکر است که روایات پیامبر(ص) در ارتفاع مقام قاریان و تکریمهای آن حضرت نسبت به این گروه سبب شوق فراوان و رقابت سالم مسلمانان در آموختن قرآن و معارف آن گردید.

\* تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۱۳۳؛ قابل نکر است به طوری که مباحث آینده نیز نشان می‌دهد، حفظ سوره بقره در آن زمان به معنای آگاهی بر مضامین اجتماعی و فقهی و دیگر جوانب این سوره بوده و از این جهت، شخص را لایق مدیریت و فرماندهی می‌کرد.

## گزارشی از نحوه آموزش قرآن در عصر رسول خدا(ص)

رسول خدا(ص) در حدیثی فرمود: «افضل العبادة قراءة القرآن» (مجمع البیان: ص ۸۴۱). یعنی: برترین عبادت، قرائت قرآن است. این حدیث در بادی امر تعجب انگیز به نظر می‌رسد. اما اگر در نظر گیریم که قرائت قرآن در عصر رسول خدا(ص) امری جدا از فهم و درک قرآن نبود و به عبارت دیگر قاری قرآن در آن جامعه شأنی در حد یک فقیه یا مفسر داشت - و به همین سبب بر دیگران ارجحیت پیدا می‌کرد - آنگاه از تعجب کاسته شده و مشخص می‌گردد که چرا رسول خدا(ص) قرائت قرآن را برترین عبادت اعلام نمود. ذیلأً به مواردی اشاره می‌گردد که واقعیت آموزش قرآن را در سیره رسول خدا(ص) نشان می‌دهد:

### ۱ - اهتمام پیامبر(ص) به آموزش مفاهیم قرآن:

از روایات به دست می‌آید که رسول خدا(ص) آموزش الفاظ و معانی قرآن را به صورت توأمان مدنظر قرار داد و در نتیجه به تدریج در کنار آموزش عبارات قرآن، معانی و حقایق آن را نیز به اصحاب خود منتقل ساخت و این همان مفهوم دقیق «اقرء» است که همواره مد نظر پیامبر (ص) قرار داشت. گفته شد که رسول خدا(ص) خود به مصداق «فاذا قرأناه فاتبع قرأه ثم انّ علينا بیانہ» (قیامت، ۱۵-۱۶)، حقایق قرآن را از طریق وحی آموخته بود، آن حضرت طبق: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل، ۴۴)، وظیفه داشت که این حقایق را به مؤمنان تعلیم دهد و طبعاً رسول خدا (ص) در انجام مسئولیت خودکوتاهی و قصوری نداشت، چنانکه برخی از دانشمندان به استناد همین آیه معتقدند که رسول خدا(ص) تمام قرآن را تبیین نمود (التفسیر و المفسرون: ج ۱، ص ۴۶). ابو عبدالرحمن سلمی - از قاریان عصر تابعین - گوید: «حدثنا الذین كانوا یقرؤننا: عثمان و ابن مسعود و ابی بن کعب: انّ رسول الله كان یقرئهم العشر فلا یجاوزونها الی عشر حتی یعلموا ما فیها من العمل فتعلمنا القرآن و العمل جميعاً» (بحار الانوار: ج ۹۲، ص ۱۰۶). یعنی: معلمان قرآن ما (از جمله) عثمان، ابن مسعود و ابی کعب به ما گفتند که: رسول خدا (ص) قرآن را ده آیه ده آیه به آنان می‌آموخت. آنان از ده آیه به ده آیه دیگر نمی‌پرداختند مگر آنکه احکام عملی آیات قبل را فرا می‌گرفتند و به این ترتیب همه قرآن و احکام آن را فرا گرفتیم؛ این حدیث به طریق

مختلف وارد شده و در برخی از آنها بر یادگیری مسائل علمی و احکام عملی آیات یا اطلاع بر مسائل حلال و حرام، تأکید شده است. در تمام این روایات اصطلاح، «اقرء» چنانکه گفته شد به معنای آموزش قرآن با توجه به مفاهیم آن است و این اصطلاح در عصر رسول خدا (ص) و تا مدتی پس از رحلت آن بزرگوار به همین معنی بوده است. به همین سبب مردم مدینه به مصعب بن عمیر که به فرمان رسول خدا (ص) به اقرء مردم مدینه و تعلیم احکام دینی به آنان مبادرت ورزید، مقری لقب دادند. (القرآن الکریم و روایات المدرستین: ج ۱، ص ۱۶۳). نیز از روایات تاریخی به دست می آید که ابن عباس پس از رحلت پیامبر (ص) در صف مقررین درآمد و به این سبب بر سایر صحابه امتیاز یافت. وی خود در حدیثی گوید: «من به عده‌ای از مهاجران از جمله عبدالرحمن بن عوف قرآن را در منی اقرء کردم. این کار در حضور عمر بن خطاب و در آخرین حج او صورت پذیرفت.» (همان: ج ۱، ص ۲۹۱). یکی از محققان در توضیح این حدیث نوشته است: اگر در نظر گیریم که عبدالرحمن بن عوف - طبق گزارش ابن هشام - از سابقان در اسلام بود که در سال سوم بعثت اسلام آورده است و نیز آخرین حج عمر بن خطاب در سال ۲۳ هجری اتفاق افتاد، بین مسلمانی عبدالرحمن بن عوف و کشته شدن عمر بن خطاب بیش از سی و دو سال فاصله است، لذا بزرگان مهاجران - در این زمان - مانند اطفال دبستانی نبوده‌اند که عبدالله بن عباس تلاوت قرآن را به آنها آموزش دهد؛ از این جهت مقصود ابن عباس از «اقرء قرآن» به بزرگان صحابه چیزی جز آموزش معانی و تفسیر قرآن نبود (همان: ج ۱، ص ۱۷۱). این نکته هم قابل ذکر است که پس از رحلت رسول خدا (ص) اصطلاح «اقرء» به تدریج از مفهوم رایج در عصر پیامبر (ص) خارج شده و تنها بر آموزش الفاظ و ظواهر قرآن یا تحویل قرائت قاری به منظور اصلاح آن محدود گردید.

## ۲ - ترغیب به قرائت دائمی و تحذیر از فراموشی:

یکی از مسائل مهم در آموزش قرآن مداومت بر امر قرائت و در نتیجه مؤانست با کتاب الهی است. در این خصوص خداوند در ابتدای سوره مزمل رسول خود را مکلف به قیام شبانه و تلاوت قرآن در طول شب کرده است (مزمل، ۲-۴). رسول گرامی اسلام در عمل به این دستور الهی شبها به تهجد برمی‌خاست و حتی مطابق روایات تاریخی سوره‌های بزرگ قرآن را در نمازها و تلاوتهای شبانه قرائت می‌کرد، چنان که آیه پایان سوره

مَزْمَل نیز گواه این مطلب است. آنجا که می‌فرماید: «اِنَّ رَبِّكَ يَعْلَمُ اَنْكَ تَقُوْمُ اَدْنٰی مِنْ ثَلٰثِی الْلَیْلِ وَ نِصْفِهِ وَ ثَلٰثِهِ وَ طَآئِفَةٌ مِّنَ الَّذِیْنَ مَعَكَ» (مزمّل، ۲۰) یعنی: در حقیقت پروردگار تو می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو اند نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را به (نماز) برمی‌خیزی. در ادامه آیه خداوند ضمن تخفیف دادن به مؤمنان - در برگزاری تهجد طولانی - می‌فرماید: «فَأَقْرَأُوا مَا تيسَّر مِنَ الْقُرْآنِ» (همان) یعنی: (اینک) هر چه از قرآن میسر می‌شود بخوانید. بر این اساس رسول خدا (ص) نیز همواره مؤمنان را ترغیب به قرائت قرآن می‌فرمود؛ حضرت بویژه نسبت به یادگیری سوره‌های طولانی مانند سوره‌های بقره و آل عمران تأکید بسیار می‌کرد. چنان که در حدیثی فرمود: «تَعَلَّمُوا سُورَةَ الْبَقَرَةِ فَإِنَّ اخْذَهَا بَرَكَةٌ وَ تَرْكُهَا حَسْرَةٌ وَ لَا تَسْتَطِيعُهَا الْبَطَلَةُ» (صحیح مسلم: ج ۱، ص ۵۵۳؛ سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۴۶). یعنی: سوره بقره را یاد گیرید که در یادگیری آن برکت و ترک آن مایه حسرت و پشیمانی است و باطل پیشگان به یادگیری آن توانا نخواهند بود. در حدیث دیگر در ترغیب قاریان فرمود: «کسی که به تلاوت قرآن بپردازد و در قرائت خود ماهر و توانا باشد او همنشین سفرای نیکوکار الهی - از ملائکه - باشد و آن کس که به قرائت قرآن روی آورد و در این مسیر سختی را بر خود هموار کند اجرش مضاعف است» (همان: ص ۵۴۳). عقبه بن عامر جهنی گوید: روزی رسول خدا (ص) بر ما عبور نمود در حالی که ما سرگرم خواندن و فراگرفتن قرآن بودیم، حضرت فرمود: قرآن را یاد گیرید و آن را سرمایه خود قرار دهید (که فراموش نشود)، زیرا قرآن از خاطر می‌رود، سریعتر از بچه شتری که در لحظه تولد میل به گریز دارد و نه با طناب بسته می‌شود. عقبه بن عامر گوید: من گفتم: ای رسول خدا (ص) چگونه دانش (قرآن) از خاطر می‌رود، در حالی که ما قرآن را می‌خوانیم و به فرزندان خود آموزش می‌دهیم و فرزندان ما نیز به فرزندان خود می‌آموزند و به همین ترتیب تا روز قیامت؛ (آموزش قرآن ادامه دارد) رسول خدا (ص)، فرمود: «آیا این یهود و نصاری نیستند که تورات و انجیل را می‌خوانند اما از مطالبی که در این کتاب است درکی ندارند؟» (سنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۳۴۴). از این حدیث نیز استفاده می‌گردد که رسول خدا (ص) ضمن تحذیر نسبت به فراموشی قرآن، در عین حال توجه به مفاهیم قرآن را از نظر دور نداشته‌اند.

### ۳- ترغیب به اثرپذیری از قرائت قرآن

مسئله دیگری که در آموزش قرآن مدنظر رسول خدا(ص) قرار داشت، ترغیب به تأثیرپذیری قاری در امر قرائت است. این موضوع قبل از هر چیز مورد تأکید قرآن قرار دارد. قرآن در سوره‌های اعراف و انفال استماع قرآن و توجه به آن را مایه نزول رحمت و افزایش ایمان برای مؤمنان می‌داند (اعراف، ۲۰۴؛ انفال، ۲). در سوره بنی اسرائیل خداوند از مؤمنانی یاد می‌کند که چون آیات خداوند بر آنان خوانده می‌شود گریه‌کنان به سجده می‌افتند و خشوع آنان افزایش می‌یابد، (اسراء، ۱۰۹). شواهد روایی نشان می‌دهد که رسول خدا(ص) به تأثیرپذیری روحی در امر قرائت قرآن یا استماع آن اهمیت قائل شده و آیات قرآن بر خود آن حضرت خالی از چنین تأثیری نبود. به طوری که از روایات به دست می‌آید، ملاک تأثیرپذیری روحی در قاری یا مستمع قرآن، نشان دادن عکس العمل متناسب با محتوای هر آیه به هنگام قرائت یا استماع قرآن است. حذیفه بن یمان گوید: «شبی در ماه رمضان با رسول خدا(ص) به نماز برخاستم آن حضرت به قرائت سوره بقره پرداخت با خود گفتم که آن را در رکعت خود تمام خواهد کرد. آن حضرت سپس به تلاوت سوره نساء پرداخت و پس از پایان رساندن آن سوره آل عمران را آغاز نمود، در عین حال آن حضرت قرآن را شمرده شمرده تلاوت می‌کرد به این صورت که چون به آیه‌ای می‌رسید که در آن از تسبیح و تنزیه خداوند سخن رفته بود، به تسبیح و تنزیه می‌پرداخت. چون به آیه رحمت می‌رسید آن رحمت را می‌طلبید و چون به آیه عذاب برخورد می‌کرد از آن عذاب به خداوند پناه می‌جست.» (صحیح مسلم: ج ۱، ص ۵۲۶).

طبرسی از ابن عباس نقل کرده است که: «رسول خدا(ص) هر گاه «سبح اسم ربک الاعلی» را قرائت می‌کرد، ذکر سبحان ربی الاعلی بر زبان جاری می‌کرد» وی سپس گوید: روایت شده که علی (ع) و ابن عمرو و ابن زبیر نیز به همین صورت عمل می‌کردند (مجمع البیان: ج ۱، ص ۷۰۰). گاه رسول خدا(ص) به قرائت دیگران گوش فرا داده و ترجیح می‌داد که تلاوت قرآن را از دیگران دریافت کند. از جمله روزی از ابن مسعود درخواست کرد که قرآن را بر او قرائت کند، ابن مسعود به تلاوت قرآن پرداخت و چون به آیه: «فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً» (نساء، ۴۰) رسید، آن حضرت در حالیکه اشک از چشمش سران بر شده بود به ابن مسعود فرمود که بس

است. (اسدالغابه: ج ۳، صص ۲۸۳-۳۸۷). چنانکه نظیر این تأثیرپذیری روحی - در حدیثی دیگر - برای علی (ع) گزارش شده است، آنگاه که به قرائت زربن حبیبش گوش فرا داد. در این حدیث آمده است که حضرت علی (ع) در اثنای قرائت زربن حبیبش در حالیکه به گریه افتاده بود، از او درخواست که لحظه‌ای از قرائت دست کشیده و به دعاهای حضرت آمین بگوید و متن دعاها چنین بود که: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ أَحْبَابَ الْمُحِبِّينَ وَ إِخْلَاصَ الْمُؤَقِنِينَ وَ مُرَافَقَةَ الْإِبْرَارِ...» (القرآن الکریم و روایات المدرستین: ج ۱، ص ۱۸۲). از روایات به دست می‌آید که اثرپذیری روحی معلول عوامل مختلفی است که اهم آنها به قرار زیر است:

● استمرار در قرائت قرآن به گونه‌ای که قرآن همانند سرمایه‌ای در وجود انسان قرار گیرد (همان: ج ۱، ص ۱۷۷)، نیز توجه به ذکر بودن قرآن بویژه برای خداترسان چنانکه می‌فرماید: «فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ مِنْ يَخَافُ وَعِيدِ» (ق، ۴۵).

● توجه به حفظ قرآن با این بشارت که «اشراف امتی حملة القرآن و اصحاب الليل» (بحارالانوار: ج ۸۹، ص ۱۷۷)، و این وعدهٔ جمیل که: «لَا يُعَذِّبُ اللهُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنِ» (آداب حملة القرآن: ص ۱۷). یعنی: خداوند قلبی را که ظرف قرآن باشد عذاب نخواهد کرد.

● سفارش به قرائت از روی مصحف و ذکر این نکته: «هیچ چیز برای شیطان خطرناکتر از قرائت قرآن از روی مصحف نیست» (وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۸۵۳). و نیز: «نظر کردن در مصحف عبادت است.» (همان: ص ۸۵۴).

● ترغیب به تدبّر در قرآن چنانکه سفارش خود قرآن است (ص، ۲۹ - نساء، ۸۲) و هشدار که: «و یل لمن لاکها بین فکیه و لم ینأمل ما فیها» (مجمع البیان: ج ۲، ص ۹۰۸). یعنی: وای بر آنکه قرآن را بر زبان آورد ولی در آن تدبّر نکند.

● مرور مکرر آیه - در تلاوت - به منظور افزایش تأثیرپذیری و امکان تدبّر. (البیان فی آداب حملة القرآن: ص ۶۹).

● واکنش نشان دادن در مقابل آیات قرآن بویژه آیات رحمت و عذاب و سؤال و استعاذه. (وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۸۶۳).

● قرآن را با صدای خوش (الکافی: ج ۲، ص ۶۱۵) و در عین حال حزین خواندن (مجمع البیان: ج ۱، ص ۸۶). و تفسیر خوش صدایی قاری به خدا ترس بودن او. (سنن



● ادب و وقار قرآن را حفظ کردن و آن را با آداب ویژه تلاوت کردن. (البیان فی آداب حملة القرآن: ص ۶۷).

ناگفته نماند که این توصیه‌ها کم و بیش در روایات اهل بیت (ع) وارد شده و مورد تأکید امامان معصوم (ع) بوده‌است. از جمله عبدالله بن سلیمان گوید: در نوبتی از امام صادق (ع) معنای: «و رتل القرآن ترتیلاً» را سؤال کردم. آن حضرت در پاسخ گفتند: امیر مؤمنان صلوات علیه فرمود: در تلاوت قرآن آن را خوب بیان کن و همانند شعر آن را با شتاب مخوان و مانند ریگ در دهان پراکنده مساز. اما دلهای سخت خود را با تلاوت قرآن به بیم و هراس افکنید و هرگز هم شما به پایان بردن (سوره‌ای که مشغول به تلاوت آن هستید) نباشد. (الکافی: ج ۲، ص ۶۱۴). نیز امام صادق (ع) در ذیل آیه: «الذین آتیناهم الكتاب یتلونه حق تلاوته» (بقره، ۱۲۱) یعنی: آنان که به ایشان کتاب را داده‌ایم، آن را چنان که باید، می‌خوانند، فرمود: تلاوت شایسته به این معنی است که در برابر آیاتی که از بهشت و دوزخ سخن می‌راند، مکث شود به این صورت که در مقابل آیه رحمت، تقاضای رحمت شود و در مقابل آیه عذاب از عذاب الهی به خداوند پناه برده شود (وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۸۶۳).

#### ۴- ارشاد درباره کیفیت ختم قرآن

ختم قرآن در حیات رسول خدا(ص) معمول و متداول گردید. بویژه در واپسین سالهای حیات آن بزرگوار که نزول قرآن به کمال خود رسید و مصحفهای کاملی در اختیار صحابه قرار گرفت. به طوری که برخی از صحابه مانند: عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب چندین نوبت قرآن را در محضر رسول خدا(ص) ختم کردند. (مجمع البیان: ج ۱، ص ۸۴). در خصوص ختم قرآن در عصر پیامبر (ص) و آداب و شرایط آن روایات زیادی در دست است که از تأمل در آنها استفاده می‌گردد که:

اولاً: رسول خدا(ص) شخصاً به ختم قرآن علاقه و اهتمام فراوان داشت و به دفعات قرآن را ختم نمود. (حقایق هامة حول القرآن الکریم: ص ۷۱).

ثانیاً: رسول خدا(ص) ختم قرآن را مانع تدبیر در قرآن و فهم آن نمی‌دانست، اما اجازه ختم سریع قرآن به قاریان نمی‌داد تا مانع فهم و تدبیر آنان نگردد.

ثالثاً: پس از ختم قرآن به تنهایی یا همراه با اهل بیت خود به دعا می‌پرداخت و مطلوبیهای خود را از پروردگار می‌طلبید (همان: ص ۷۳).

رابعاً: در پایان ختم قرآن، به تلاوت سوره حمد و آیات نخست سوره بقره می‌پرداخت تا نشانی بر تلاوت دوباره قرآن و انس همیشگی با کلام خدا باشد. (همان: ص ۷۴).

از جمله کسانی که در عصر پیامبر (ص) به ختم قرآن پرداخته و پیامبر (ص) توصیه‌های خاصی به او کرده است. عبدالله بن عمرو بن عاص می‌باشد. وی در حدیثی گوید: قرآن را در طول یک شب خواندم. این مطلب به گوش رسول خدا (ص) رسید. آن حضرت پیام فرستاد که: قرآن را در یک ماه تلاوت کن. گفتم: ای رسول خدا (ص) اجازه فرمایید تا از قدرت جوانی خود بهره گیرم (و سریعتر ختم کنم) حضرت فرمود: آن را در ده روز ختم کن. باز گفتم: اجازه فرمایید تا از نیرو جوانی خود استفاده کرده (سریعتر ختم کنم) حضرت فرمود: قرآن را در هفت شب بخوان و چون باز از حضرتش اجازه خواستم (که سریعتر بخوانم) اجازه نفرمود (القرآن الکریم و روایات المدرستین: ج ۱، ص ۱۸۴). ناگفته نماند که مطابق روایتی که در تفسیر المبانی وارد شده است، عبدالله بن عمرو بن عاص موفق گردید که برای ختم قرآن در مدت سه روز از پیامبر (ص) اجازه گیرد. اما چون درخواست کرد که در مدتی کمتر از آن قرآن را ختم کند پیامبر (ص) مخالفت کرد و فرمود: «من ختم القرآن فی اقل من ثلاث لم یتفقّه» (مقدمتان فی علوم القرآن: صص ۲۷-۲۸). یعنی: کسی که قرآن را در کمتر از سه روز ختم کند فهمی از آن عایدش نخواهد شد، و ظاهراً این حدیث صحیح‌تر است و با روایات دیگر پیامبر (ص) و امامان شیعه سازگاری بیشتر دارد. از جمله در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است که: «کسی که قرآن را در هفت روز بخواند خداوند او را در شمار نیکوکاران قرار خواهد داد: قرآن را در کمتر از سه روز بخوانید و هر کس در خود نشاط بیشتری (در ختم قرآن در کمتر از سه روز) می‌بیند آن را در حسن تلاوت قرآن به کار گیرد.» (القرآن الکریم و روایات المدرستین: ج ۱، ص ۱۷۰). در حدیث امام صادق (ع) خطاب به ابوبصیر نیز ضمن مخالفت امام صادق (ع) در ختم قرآن در کمتر از شش روز در ماههای سال و سه روز در ماه رمضان آمده است: «أَنَّ الْقُرْآنَ لَا یُقْرَأُ هَذْرَمَةً وَ لَکِن یُرْتَلُّ تَرْتِیلاً فَأَنا مَرَرْتُ بِأَیةِ فِیْهَا ذِکْرُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ...» (اصول کافی: ج ۲، ص ۶۱۸). یعنی قرآن با شتاب و

سرعت خوانده نگردد بلکه با تأنی و ترتیل تلاوت شود و ... در این حدیث «هذرمه» به معنای سرعت در قرائت است که همواره مورد نکوهش امامان (ع) بوده است. نووی نیز تصریح کرده است که جماعتی از متقدمان، ختم قرآن در طول یک شب و روز را مکروه می دانستند آنهم به جهت نهی وارده در حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص، این حدیث را ابو داود، ترمذی، نسایی و جماعتی دیگر نقل کرده اند و ترمذی آن را حسن صحیح دانسته است. (التبیان فی آداب حملة القرآن: ص ۵۰). چنانکه ابراهیم بن عباس نقل کرده است که امام رضا (ع) قرآن را در سه روز ختم کرد و آنگاه فرمود: اگر بخواهم می توانم در کمتر از سه روز به ختم قرآن بپردازم اما من به آیه ای برخورد نمی کنم جز آنکه درباره آن می اندیشم، خصوصاً در این مورد که آیه درباره چه موضوعی و در چه زمانی نازل شده است (وسائل الشیعه: ج ۴، ابواب قرائة القرآن، باب ۲۷ حدیث ۶).

### منابع و مأخذ:

- ۱- ابن اثیر، عزالدین: «اسدالغابة فی معرفة الصحابة» بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
- ۲- ابن اشعث، سلیمان: «سنن ابی داود»، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۳- ابن حجاج، مسلم: «صحیح مسلم»، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ ق
- ۴- ابن اسعد، محمد: «الطبقات الكبرى»، تحقیق محمد عبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
- ۵- ابن هشام، محمد: «السیرة النبویة» بیروت، دارالقلم.
- ۶- ابن ماجه: «سنن».
- ۷- بخاری، محمد بن اسماعیل: «صحیح بخاری»، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ق.
- ۸- ترمذی، محمد بن عیسی: «سنن ترمذی - الجامع الصحیح - بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۹- حرّ عاملی، محمد بن حسن: «وسائل الشیعه»، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۰- دمشقی، اسماعیل بن کثیر: «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۱- ذهبی، محمد حسین: «التفسیر و المفسرون»، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۶ ق.
- ۱۲- رامیار، محمود: «تاریخ قرآن» انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.

۱۲- زرقانی، محمد عبدالعظیم: «مناهل العرفان فی علوم القرآن»، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۱۴- سیوطی، جلال‌الدین: «الاتقان فی علوم القرآن»، قم، منشورات رضی، بیدار، ۱۳۶۳ش.

۱۵- طباطبائی، سید محمد حسین: «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه سید محمد باقر موسوی، بنیاد عملی و فرهنگی علامه، ۱۳۶۳ش.

۱۶- طبرسی، فضل بن حسن: «مجمع البیان لعلوم القرآن»، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق.

۱۷- عسکری، سیدمرتضی: «القرآن الکریم و روایات المدرستین»، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۵ق.

۱۸- مجلسی، محمدباقر: «بحار الانوار»، انتشارات الاسلامیه، ۱۳۸۰.

